

متن پرسش

سلام و عرض ادب و تبریک میلاد مولی الموحدين امام علی علیه السلام: در خصوص اوضاع زنان و خانواده و نگرانی هایی که در پرسش ۳۴۴۹۶ مطرح شد می‌خواستم عرض کنم به نظر می‌رسد بعد از ۴۴ سال از انقلاب روشن شده که جریان انقلاب و حتی شخص رهبران انقلابی نتوانستند مسئله جایگاه زن را درست تبیین و ترویج کنند (گرچه کار را در عمل عمدتاً فمینیست‌های مسلمان!! دولت اصلاحات جلو بردند). بنده در مکاتبه ای که با استاد محسن قنبریان داشتم نکات خود را مفصل عرض کردم و دیدم ایشان هم پاسخی نداشتند. فی الواقع حتی از مباحث شبه فقهی و مغالطی ایشان در توجیه غیرمستقیم اوضاع فعلی هم حیرت کردم. استاد عزیز باید بپذیریم رهبران انقلابی ما و به تبع آنها بزرگوارانی چون شما و آقای قنبریان با وجود تمام ارادتی که به آنها داریم به دنبال جمع بین اسلام و فمینیسم بودند و این جمع جدلی ضرورتاً یک جمع مکسر و مخرب از کار در آمده و اکنون زمان آن رسیده که از این راه توبه و تجدید نظر کنیم. امروز زنان مذهبی ما هم مگر نوادری به آسیبهای اشتغال بیرون برای ازدواج و خانواده دچار شده اند و این کاملاً واضح است. می‌فرمایید زنان ما در چارچوب نگاه اسلامی احساس مظلومیت می‌کنند، باید پرسید مگر اشتغال در بیرون فی نفسه هیچ ارزشی در اسلام دارد مگر ابزاری باشد برای تامین معاش که آن هم به عهده مرد است؟ حدیث صریح از حضرت امیر (ع) هست که زنان در آخرالزمان به خاطر حب دنیا رو به اشتغال می‌آورند. باید پرسید که زن که سر هر بچه باید سه سال را مشغول حاملگی و شیردهی باشد چه طور می‌تواند به اشتغال بیرون منزل مشغول باشد که یا باید قید فرزند آوری و پروری را بزند یا با فشار کارفرما به عدم فرزندآوری یا حقوق کمتر مواجه شود یا تحت فشار دوجانبه اشتغال و مادری منگنه شود و تازه با ورود زنان به بازار دستمزد مردان هم کمتر شود تا با وجود اشتغال هر دو نفر هم نتوانند کفاف زندگی را دهند! آخر این از حماقت‌های فمینیسم مدرن نیست که ما هم در کمال تعجب دچارش شدیم؟ در خصوص حق طلاق زنان و مردان بدون عذر هم تجربه دولت ریگان جلوی چشم ماست که چه طور با اجرای قانون حق طلاق بدون عذر برای زنان و مردان، زنان در درخواست طلاق گوی سبقت را از مردان ربودند و شاهد سونامی طلاق گیری زنان شدند، فلذا بعد از یک دهه قانون را لغو کردند با این که صدمه وارد شده بود. آیا این موید حکیم بودن شارع مقدس نیست در عدم اعطای حق طلاق به زنان؟ پس ظلمهایی که به زن ادعا شده اولاً از ناحیه احکام شریعت نیست. برخی از این ظلمها توهم ظلم است. اما ظلمهای واقعی را هم اسلام با «عاشروهن بالمعروف» منع کرده است. شریعت مقدسه با برداشتن بار اشتغال از دوش زنان، سختی های حاملگی و بچه داری را برایشان جبران و با نوید سرورانگیز «الجنة

تحت اقدام الأمهات» بهشت را هم برای آنها تضمین کرده، پس دیگر چه جای ناسپاسی و اعتراض به حکمت بالغه ربوبیه؟! استاد تجربه فمینیسم در غرب یک انحطاط و فاجعه کامل بوده است و امروز بنده به عنوان دانشجوی دکتری فلسفه و پژوهشگر در این زمینه دیدم حتی برخی محققین زن در غرب چه طور ندای بازگشت زن به آغوش خانه و فرزندان را می‌دهند ولی امروز ما هم با روشهای فمینیستی شبه اسلامی اسلامگرا و انقلابی!! زنان این جامعه را به همان منجلاب فمینیسم غربی کشانده ایم و کار به آنجا کشیده که به شرکت زنان محجبه در لهویات و لغویات ورزش مدرن افتخار می‌کنیم که حتی برای مردانش هم به حکم «المؤمنون... الذین هم عن الغو معرضون» هم دست کم مکروه است! استاد این ره که می‌رویم به ترکستان است! پس باید ندای بازگشت زنان به خانه (البته مسکن تراز اسلامی یعنی غیرآپارتمانی) و فرزندان را بلند کرد. ما زن و مرد و خانواده و فرزندان را با این روشهای متناقض انقلابی!! قربانی کردیم! مکاتبات خود با استاد قنبریان را هم در ذیل می‌فرستم: سلام و ادب در خصوص مطلب زیر از استاد در خصوص طالبان و حضور زنان نکته ای داشتم • تحجر اگر حکمران جامعه ای شود چیزی از جنس طالبان می‌شود. کتاب نظام امارت اسلامی نوشته قاضی القضاة طالبان با مقدمه هبه الله آخندزاده رهبر طالبان، مانیفست حکمرانی این گروه به حکومت رسیده است. • آنچه این روزها درباره منع زنان از کار و تحصیل در افغانستان می‌گذرد هم عمل به این کتاب است! • در جای جای کتاب زن، ضعیف و جای او در خانه معرفی شده است (ص ۸۰ و ۸۱). نظام ربّانی درباره زن، بودن در خانه و تولد فرزند و سرپرستی اطفال است. (ص ۱۵۱ و ۱۵۲). تعلیم زنان باید در خانه و توسط محارم باشد. اگر ناگزیر به خروج از خانه شد، معلم، زن باشد. اگر این هم میسر نشد، بایستی میان دانشجویان زن و معلم پرده ای باشد. (ص ۲۵۴ و ۲۶۲) نویسنده برای فتوای به حرمت اختلاط به این شعر فارسی هم تمسک می‌کند: "ز بیگانگان چشم زن کور باد / چو بیرون شد از خانه در گور باد!" • نزدیک به این فتاوا در کنج حجره های ما هم پیدا می‌شود؛ لکن اسلام خمینی و متفکران انقلاب درباره زن نظرشان چیز دیگری بود. آن نظر، غیر شرعیت از اجتهاد روشمند، مقبولیت با رأی مردم را هم از آن خود کرد. • تحجری که امام (ره) تا روزهای آخر از آن نالید و در منشور حوزویان هم از آن حذر داد، بعید است مشکلس، بودن خمینی بوده باشد و بعد از او به اصالت و زمانه شناسی برگشته باشد! □□ توجه: هروقت در جامعه مظاهر غربزدگی - مثل کشف حجاب و... بروز می‌کند، آن قرائت متحجر موجه جلوه می‌کند! • گفتمان اصیل انقلاب اسلامی، نقطه وسط و ثبات حرکت پاندولی جامعه است؛ هرچه حرکت به جانب تحجر منحرف شود، از آنسو به سمت غربزدگی برمی‌گردد و بالعکس! #زن # کتاب_نظام_امارت_اسلامی محسن قنبریان □□ @m_ghanbarian من فکر می‌کنم چون طالبان در افکار عمومی و عملکردهای گذشته تصویر منفی دارد اگر کارهای خودش را مستند به سنت حقه و کتاب خدا هم کند احتمالاً یک عده سنت و کتاب را هم انکار کنند تا منسوب به طالبانیسم نگردند گذشته از این نکته، تقسیم کار مطلوب بین زن و مرد در اسلام چنان که در توصیه حضرت رسول (ص) به حضرت زهرا (س) و امام علی (ع) آمده ظاهراً شبیه همان چیزی است که در کتاب

مذکور که البته من نمی‌شناسم آمده. حدیث مشهور از حضرت زهرا (س) که موید نبی (ص) هم قرار گرفت و حتی روحانیون ما از نقلش ابا دارند می‌گویند بهترین کار برای زن این است که نامحرم او را نبیند و او هم نامحرم را نبیند. بگذریم از حدیث علی (ع) که با لحن ذم گفتند در آخرالزمان زنان به خاطر حب مال رو به اشتغال می‌آورند یا وقتی شارع از اختلاط حتی در مسجد نهی کرده و در صورت قرارگیری زنان و مردان در کنار هم امر به نصب پرده کرده است چه طور با اشتغال زنان در فضای مختلط بین مردان نامحرم راضی است؟ عنایت کنید داریم در خصوص حکم اولیه و مذاق اصلی شارع هم صحبت می‌کنیم و سخن از شرایط استثنایی و ثانوی نیست حالا چه طور است با این احادیث واضح از اهل بیت معصومین علیهم السلام برخی روحانیون بسان فمینیستهای مسلمان! به اشتغال حضرت خدیجه قبل از بعثت در دوره جاهلی برای تشویق اشتغال زنان استناد می‌کنند؟! سخن در این نیست که زنان حق اشتغال خارج از منزل ندارند سخن در این است که آیا این عمل در اسلام به حکم اولی توصیه یا تشویق شده است؟ ظاهراً پاسخ منفی و حتی متضاد است، یعنی مذاق اولیه و اصلی شارع نهی از اشتغال زنان در بیرون است اما مشاغل ضروری مثل پزشک زنان و پرستار و معلم زن برای اناس اتفاقاً خودش مورد توصیه شارع خواهد بود اما بنده دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی این کشور در تربیت مدرس هستم و سابقه تحصیل در علوم سیاسی دارم و تحقیق و ترجمه از متون غربی هم مشغولم و به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه هم ارادت قلبی دارم لذا کسی نمی‌تواند مرا متهم به تحجر کند اما به نظرم تقدیرها و تشویق‌های رهبران انقلاب از حضور اجتماعی زنان بعد از انقلاب در شرایط حفظ ساختارها و فرهنگ مدرن در عمل مصادره به مطلوب فمینیستها شد و امروز شاهد عوارض این مسئله هستیم. مثل رواج روابط خارج از عرف و انواع سوء استفاده‌ها از زنان در بازار، بروز سختگیری‌ها در ازدواج از طرف زنان شاغل و کاهش فرزندآوری. خوشحال می‌شوم پاسخ استاد قنبریان را در این خصوص بشنوم. رامین اساتید: سلام. برخی از اینها را در سخنرانی‌ها طرح کرده از جمله روایت حضرت زهرا (س) که غیر از ضعف سند خلاف سیره خود ایشان است (سخنرانی حبیسه یا محرره را بشنوید) مفصل‌تر هم در برخی دروس قم طرح شده که دروس در کانال گذاشته همیشه حسامی (عبد الرحمن): <http://mghanbarian.ir/lecture/۶۳۳۴> این متن را از سایت تان پیدا کردم مطالعه شد ابهامات و اشکالات زیادی به نظر می‌رسد. به نظرم آیه «قرن فی بیوتکن» به تنهایی حکم اولی را برای زنان روشن کرده و تخصیصش به همسران نبی بلا وجه است. گرچه مخاطب زنان نبی (ص) بوده اند چون ایشان از حیث شایستگی برای الگو بودن مخاطب شدند و نه نفس زوجیت نبی (ص) چنان که نهی از تخریب قول و تبرج جاهلی و امر به اقامه صلوٰة و زکات که متوالی آمده نمی‌تواند اختصاص به نساء نبی داشته باشد، فهكذا «قرن بیوتکن» پاسخ تان به فراز نامه ۳۱ هم نقضی بود تا حلی. اما وقتی آیه ۳۲-۳۳ احزاب را اصل بگیریم و به صراحت آن خطبه هم عنایت کنیم آنگاه موارد استثنا نیاز به توجیه دارد نه اصل امر به اقتران و توقیر فی البیوت. مثلاً این که سلمان و ابوذر و امثالهم به خاطر قرب معنوی به اهل بیت و تقوای ممتاز، مجاز می‌شدند به ورود به خانه

حضرت زهرا (س)، لذا اینها جزء مستثنیات می‌شود نه اصل احتجاب عمومی در برابر مردان. همین طور حضور زنان در جنگ جمل خصوصا که خود جنگ از شرایط اضطرار است نه شرایط عادی و عمومی. ضمنا توقیر فی بیوت مانند جمیع سایر احکام مطلق و بدون استثنا نیست چنان که زن با اذن شوهر مجاز به تردد به خانه اقوام و همسایگان و دیگر محافل ضروری هست و لذا با احتباس زانی فرق می‌کند. اما علت نظر مثبت مرحوم امام (ره) درباره مشارکت زنان در انقلاب هم به نظرم به خاطر جهات انقلابی و دینی در این حضور استثنایی بود و همین طور نوعی جدل با فمینیست ها. اما متاسفانه آن حضور معنوی و استثنایی و جدلی بعدا تبدیل شد به یک اصل رایج و عادی در جمهوری اسلامی که خلاف سیره (ع) معصومین و کل تاریخ فقاقت شیعه است و نتیجه آن هم این افتضاح اجتماعی است که امروز شاهدش هستیم!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی تحت عنوان «زنان و راز امیدواری به آینده» شده است،
<https://eitaa.com/matalebevijeh/11304> شاید به کار آید. موفق باشید